

تحلیل مفهومی و مصداقی عفاف با تأکید بر گفتار و رفتار

حضرت زهرا عليها السلام

شاهد پروین کاظمی^۱، طاهره عبدالهی^۲

چکیده

عفاف، یکی از ارزش‌های اخلاقی کلیدی است که به‌ویژه در آیات و روایات اسلامی به آن تأکید شده است. برای درک عمیق این مفهوم، مطالعه الگوهای عملی ضروری است. حضرت زهرا عليها السلام نمونه‌ای ممتاز در زمینه عفاف و حجاب هست که می‌تواند در قالب الگوی جامع بررسی شود. نوشتار حاضر باروش تحلیلی-توصیفی به جمع‌آوری و تحلیل روایات و رفتارهای ایشان پرداخته و سعی دارد الگوی مناسبی برای عفاف و حجاب ارائه دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت اصول عفاف در جامعه اسلامی باعث بروز چالش‌های جدی می‌شود. به همین دلیل، لازم است سیره معصومین عليهم السلام به خوبی در جامعه معرفی شود. سیره حضرت زهرا عليها السلام الگوی الهام‌بخش برای زنان است که می‌تواند آنها را از آسیب‌ها دور نگه دارد و به سلامت روحی و پاداش‌های معنوی برساند. نوشتار حاضر، جنبه‌های مختلف عفاف در سیره ایشان را تشریح و تحلیل می‌کند تا الگویی واقعی و عملی برای زنان مسلمان ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا عليها السلام، عفاف، حجاب، عفت گفتاری، عفت

رفتاری.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: shahedeh-parvin@miu.ac.ir

ORCID: 0009-0003-8827-2253

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی علوم قرآن و حدیث، دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: abdolahee@gmail.com

ORCID: 0000-003-3996-7174

۱. مقدمه

عفاف یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد، پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است. مفهومی که در مقابل شهوت است و در معنای عامش به هرگونه خویشندانی در برابر تمایلات افراطی نفسانی اطلاق می‌شود. در دایره‌ای محدودتر به خویشندانی در برابر تمایلات بین‌دوبار جنسی گفته می‌شود. حجاب، متراծ عفاف نیست، بلکه یکی از مصادیق آن است. بنابراین، عفاف اختصاصی به زن ندارد و صفت مشترک میان نوع انسان است. تحلیل مفهومی عفت در روایات معصومین علیهم السلام در گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها السلام معنای پارسایی و حالت نفسانی را نشان می‌دهد که انسان را از غلبه شهوت باز دارد و به مصادیق آن مانند رعایت عفت در گفتار، نگاه، پوشش و در کردار به ویژه در زنان اشاره می‌شود. عفت حضرت زهرا علیها السلام به اندازه‌ای بود که حتی در حضور مرد نایبنا خود را حفظ کرد. امروزه برخی از زنان در جامعه اسلامی درگیر فتنه‌ها و ناپاکی‌هایی هستند که یکی از عوامل آن عدم رعایت عفاف است. با توجه به این، محقق ضرورت این موضوع را احساس کرد تا مفهوم و مصدق عفاف را با تأکید بر گفتار و رفتار حضرت زهرا علیها السلام بررسی کند و در رعایت عفاف با الگوگری از سیره عملی آن حضرت، امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورد و از تزلزل بنیان خانواده جلوگیری کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۱. عفت

عفت در لغت، خودنگهداری و پدید آمدن حالت برای نفس و جان آدمی است که با آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. اصل عفت، بسنده کردن در گرفتن چیز‌اندک است و طلب عفت و پاکدامنی و بازیستادن از حرام، استعفاف نام دارد. (اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۹) «العفة الکف عما لا يحل؛ عفت، خودداری از چیزی است که حلال نباشد» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۹۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵/۲۵۳). شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «عفاف و پاکدامنی حالتی نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن

عقل» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲). تأکید بر عفاف در امور جنسی چه در روایات و چه در کتب اخلاق آن قدر زیاد است که عرف نیز عفاف را کنترل شهوت جنسی می‌داند گویا تمام معنای عفاف در همین معنی خلاصه شده است.

عفاف در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت مفهومی عام دارد که هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود، اما شهوت مفهومی خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین، عفت نیز دو مفهوم دارد: مفهوم عام که عبارت است از: خویشن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص شامل خودداری از تمایلات افراطی جنسی. در روایات و کتب اخلاق منظور از عفت، خویشن‌داری در خوردن و امور جنسی است که برترین عبادات شمرده شده و به آن بسیار تأکید شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «ما عبدالله بشیء افضل من عفة بطن و فرج؛ خداوند به چیزی برتر از عفت بطن و فرج عبادت نشده است». در روایت دیگری آمده است: «افضل العبادة العفاف؛ عفت شکم و پاکدامنی بهترین عبادت است» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱/۲). عفاف در اصطلاحات مختلف مانند قرآن، حدیث و علم اخلاق مفاهیم گوناگون دارد. به‌طورکلی، عفاف در اصطلاح قرآن و حدیث در دو مفهوم به کار رفته است: یکی مفهوم عام به معنای خویشن‌داری در برابر هرامناروا و ناپسند و مفهوم خاص به معنای پرهیز از عمل غیرضروری که تمایل جنسی رامیان دونفر به جز زن و شوهر به وجود آورد یا آن را تشدید کند؛ یعنی شعاع دایره معنایی آن را به خویشن‌داری در شهوت جنسی نامشروع محدود می‌کنند (پریوند، ۱۳۸۶، ص ۱).

۲-۱-۲. تفاوت عفاف و حجاب

عفاف و حجاب، دو ارزش اسلامی است که از سویی رابطه تنگاتنگی باهم دارند و از سوی دیگر باهم متفاوت هستند. حجاب در لغت در معنای پرده، روپوش، روبند و به معنای آنچه که با آن چیزی را می‌پوشانند و چیزی که مانع چیز دیگر است به کار می‌رود. (عمید، ۱۳۸۱، ۷۷۹/۱) عفاف، خودنگهداری و پدید آمدن حالتی درونی برای نفس و جان آدمی است که با آن از غلبه

و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. براساس این دو تعریف، تفاوت بین حجاب و عفاف، تفاوت بین ظاهر و باطن است.

۲-۲. حجاب

حجاب، مانع و بازدارنده ظاهری است، ولی عفاف، مانع و بازدارنده باطنی و حالت درونی است. تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر از ویژگی‌های عمومی انسان است. (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱) هرچه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد باعث رعایت حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌شود و هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد موجب تقویت و افزایش و دستیابی انسان به مراتب بالاتر عفاف می‌گردد. حجاب، میوه و ثمره عفاف است.

۲-۳. عفاف

اشتیاق و توجه به عفاف، پاکدامنی، شرم و حیاتدیگری نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌کند به طور ناخودآگاه خود را از چشم نامحرم بپوشاند و حجاب ظاهری را هم به طور کامل رعایت کن؛ زیرا درون پاک، بیرونی پاک می‌پوراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه ناپاک بی‌حجابی نمی‌شود. در سوره اعراف آمده است: «وَالْبَلْدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتَهُ إِذَا نَاضَرَهُ رَبُّهُ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكَدَ كَذَا لَكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ سَرْزَمَنْ يَأْكِيلُهُ وَشَيْرِينَ، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این گونه آیات خود را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم» (اعراف: ۵۸). باید دانست که معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده‌تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است. عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام بازمی‌دارد، اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد، درحالی‌که حجاب، امری ظاهری و بیرونی است. از ابعاد مختلف عفاف می‌توان عفاف در کردار، گفتار، نگاه و عفاف در پوشش را برشمرد.

رعايت عفاف، تعين كننده ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انساني ايها مي كند و انسان را به کمال و سعادت حقيقي خويش مي رساند.

۳. تحليل گونه های مصاديق عفاف براساس گفتار و رفتار حضرت زهرا عليها السلام

عفاف در روایات معصومین عليهم السلام به ویژه در گفتار و رفتار حضرت زهرا عليها السلام، معنای پارسي و حالت نفساني را نشان می دهد که انسان را از غلبه شهوت بازمي دارد و مصاديقی مانند رعايت عفت در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش را شامل می شود.

۱-۳. عفاف در نگاه

از مصاديق عفاف، عفاف در نگاه است؛ زيرا نگاه کردن به محرمات الهی انسان را به سوی گناه سوق می دهد، زمینه گناه و فساد را در وجود او ايجاد و دل را به تدریج مشغول گناه می کند. از اين رو، خداوند دستور داده است که زنان و مردان نامحرم از محرمات الهی چشم بپوشند. در قرآن و روایات به نگاه عفيفانه هم برای آقایان و هم برای خانمها تأكيد شده و نگاه کردن به چيزهایی که از طرف خداوند منع شده تقبیح و منکر شمرده شده است. خداوند می فرماید: «قل للمؤمنات يغضبن من ابصارهن و يحفظن فروجهن ذلك أذكي لهم إن الله خبير بما يصنعون؛ به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فروگيرند و عفاف خود را حفظ کنند، اين برای آنان پاکىزه تر است و خداوند از آنچه انجام می دهيد آگاه است» (نور: ۳۰-۳۱). دستور اين آيه هم برای زنان و هم برای مردان است. زن و مرد نامحرم باید از نگاه های حرام به يكديگر بپرهيزند و خود را به نيروى عفاف در نگاه مجهز کنند تا زمينه افكار منفي در وجودشان ايجاد نشود.

در شأن نزول اين آيات از امام باقر عليه السلام نقل شده است: «جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد. در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوشها قرار می دادند و گردن و مقداری از سينه آنها نمایان می شد. چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد درحالی که

راه خود را ادامه می‌داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان از پشت سر خود به او چشم دوخته بود. جوان طوری غرق نگاه بود که ناگهان صورتش به دیوار برخورد کرد و مجروح شد. نزد رسول خدا^{صلی الله علیہ و آله و سلم} رفت و ماجراخود را نقل کرد و این آیه نازل شد». (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۱۴۱۵؛ عروسی، ۱۴۲۵؛ ۴۳۵/۱۴)

«بغض» از ماده «غض» به معنای کاهش و کم کردن نگاه است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲، ۱۰۴/۵) و منظور، چشمپوشی از نگاه حرام، غیرضروری و شهوتآلود است. در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد فرقی نیست. بدین ترتیب همانگونه که چشم چرانی بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام است. پیامبر^{صلی الله علیہ و آله و سلم} در بیان پیامد نگاه طولانی می‌فرماید: «إِيَاكُمْ وَ فَضْولُ النَّظَرِ إِنَّهُ يَبْذُرُ الْهُوَى وَ يَوْلُدُ الْغُفْلَةَ؛ از نگاه‌های زیادی و بی‌فایده بپرهیزید؛ زیرا تخم هوس را (در دل) می‌پاشد و موجب غفلت می‌شود» (مجلسی، ۱۳۹۷، ۱۹۹/۷۲؛ فرهادیان، ۱۳۹۰، ص۵). حضرت زهرا^{علیها السلام} فرمود: «خیر للنساء أن لا يرین الرجال ولا يراهن الرجال؛ آنچه برای زنان نیکوست، اینکه بدون ضرورت مردان نامحرم را نبینند و نامحومان نیز او را ننگرند». حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرماید: «با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا^{صلی الله علیہ و آله و سلم} نشسته بودیم، پیامبر^{صلی الله علیہ و آله و سلم} به ما رو کرد و فرمود: به من خبر دهید که برای زن چه چیز خوب است و خیر و سعادت او در چیست؟ همه ما از پاسخ به این سؤال، درمانده شدیم، تا اینکه متفرق گشتمیم، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا^{علیها السلام} گفتم: پیامبر^{صلی الله علیہ و آله و سلم} چنین سؤالی از ما نموده و ما از پاسخ به این سؤال درماندیم. حضرت فاطمه^{علیها السلام} فرمود: من پاسخ این سؤال را می‌دانم. "خیر للنساء ان لا يرین الرجال ولا يراهن الرجال؛ بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرنند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند". (قمری، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶) (کرمی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۴)

شیوه و روش حضرت، بهترین الگو برای زنان است، اما متأسفانه در عصر حاضر، شیاطین وسوسه‌گر و دشمنان اسلام تلاش می‌کنند به هر وسیله‌ای زنان مسلمان را از هویت خود جدا کنند و در مجتمع عمومی و معرض دید نامحومان بکشانند و به این وسیله آنها را از هدف اصلی خلقتشان بازدارند. زیباترین درسی که حضرت زهرا^{علیها السلام} به بانوان جهان آموخت حفظ عفاف و

حجاب بود که در سرتاسر زندگی حضرت نمود داشت. در روایت آمده است: «روزی مرد نابینایی برای ورود به خانه امام علی علیهم السلام اجازه خواست. حضرت زهرا علیها السلام با ورود وی پشت پرده رفت و حجاب خود را کامل کرد. وقتی رسول خدا علیه السلام علت آن را جویا شد در پاسخ پدر اظهار داشت: «إن لم يكن يراني فإني أراه، و هو يشم الريح؛ اگر آن نابینا مرا نمی‌بیند من او را می‌بینم. دیگر آنکه مرد، حساس است و بوی زن را استشمام می‌کند». رسول خدا علیه السلام فرمود: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی» (آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸). در این روایت ارزشمند تحسین و شگفت پیامبر علیه السلام قابل توجه است و اینکه چگونه پیامبر علیه السلام با دیدگاه دخترش در پرهیز و خودداری از نامحرم نابینا همراه می‌شود که نشان از نهایت عفت و حیای سیده زنان عالم است؛ موضوع بسیار مهم و قابل توجه در جوامع امروزی که بی‌توجهی و بی‌اهمیتی به آن سبب ایجاد بسیاری از مشکلات، ناامنیتی‌ها و سلب آرامش روحی و روانی نهاد خانواده‌ها شده است.

۳-۲. عفاف در گفتار

از آموزه‌های اخلاق اسلامی، رعایت عفت در گفتار توسط بانوان است. خداوند در قرآن قالب‌های مختلفی را برای کلام بیان کرده است مانند «قول حسن؛ گفتار نیکو» (ر.ک.، بقره: ۸۳)؛ «قول معروف؛ گفتار شایسته» (ر.ک.، بقره: ۲۳؛ نساء: ۵؛ نساء: ۸؛ احزاب: ۳۲)؛ «قول لین؛ کلام نرم و ملایم» (ر.ک.، طه: ۴۴)؛ «قول کریم؛ سخن ارجمند» (ر.ک.، اسراء: ۲۳)؛ «قول سدید؛ کلام محکم و استوار» (ر.ک.، نساء: ۹؛ احزاب: ۷۰) و «قول بلیغ؛ کلام رسا و پیراسته» (ر.ک.، نساء: ۶۳). کلام عفیف، کلامی است که هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان قرین عفت باشد و آوا و آهنگ صدا به هنگام سخن گفتن به گونه‌ای باشد که ادب و عفت رعایت شود» (قاضیزاده، احمدی، و سامانی، ۱۳۸۶، ص ۱).

در این مورد در آیات و روایات توصیه لازم شده است و با توجه به تفاوت صدای زن و مرد و ظرافتی که در صدای زن برای به‌هیجان افکنندن مرد وجود دارد قرآن به طور خاص، بانوان را به لحن کلام خاصی در تخاطب با نامحرمان رهنمون می‌کند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لِسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضُنَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای همسران

پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید» (احزاب: ۳۲). در این آیه خداوند دستور لازم در زمینه عفت در گفتار را صادر کرده و به این نکته تأکید می‌کند که گفتار افراد نباید به گونه‌ای هوس انگیز و با صدای نرم و طنازانه باشد که سبب طمع بیماردلان شود. تعبیر به «الذی فی قلبه مرض؛ کسی که در دل او بیماری است» تعبیر بسیار گویا و رسایی است از این حقیقت که غریزه جنسی در حد تعادل و مشروع عین سلامت است، اما هنگامی که از این حد بگذرد نوعی بیماری خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۱۷/۲۸۹).

علامه طباطبایی در تفسیر المیران می‌فرماید: «خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه، آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتند و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات بازمی‌دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۶/۱۴۰۶۰) این آیه علاوه بر منع از سخن گفتن طنازانه و با صدای جذاب بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری تأکید دارد. همچنین متذکر می‌شود که در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس آلود، افرادی که سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی ندارند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند. سیره عملی این بانوی بزرگ اسلام در هر صحنه زندگی برای بانوان عالم بهترین و کامل‌ترین الگوست. بنابراین، زن مسلمان باید به دنبال این باشد که چگونه از این انسان کامل الگو بگیرد و سعادت دنیا و آخرت را برای خود و خانواده خود بهار مغان بیاورد.

۳-۳. عفاف در گفتار

عفاف در کردار و گفتار نه تنها نجات خود فرد، بلکه موجب نجات ذریه او از آتش جهنم می‌شود. روایات بسیاری از پیامبر ﷺ نقل شده است که دلالت دارد بر اینکه چون حضرت فاطمه ؓ دامان مبارک خود را به هیچ گناهی آلوه نکرد خداوند آن حضرت و ذریه او را از آتش جهنم

نجات داد. پیامبر ﷺ فرمود: «إن فاطمة حصنت فرجها فحرم الله ذريتها عن النار؛ همانا فاطمه دامان خود را از گناه حفظ کرد، پس خداوند فرزندان او را از آتش جهنم نجات بخشید» (مجلسی، ۱۳۹۷، ۲۳۲/۴۳). در زیارت‌نامه حضرت زهرا علیها السلام به سبب همین ویژگی مطرح، ایشان این‌گونه مورد خطاب قرار می‌گیرد: «السلام عليك ايتها التقية النقية؛ سلام بر توابی بنوی پاکدامن و فرهیخته» (صدقوق، ۱۳۸۸، ۲۶۸/۲؛ سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳). این امر به دلیل ارتباط بین نام‌های معین شده از طرف پروردگار با جلوه‌های رفتاری حضرت است.

از آیات قرآن به دست می‌آید که عفاف در کردار و رفتار سبب دریافت فضل خداوند می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لیستعف الدین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم اللہ من فضله؛ و کسانی که وسیله نکاح ندارند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند» (نور: ۳۳). وقتی انسان با تمام تلاشی که می‌کند وسایل ازدواجش فراهم نمی‌شود و ناچار است مدتی را با محرومیت بگذراند و تقوی و عفت خود را حفظ کند خدا او را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند (بهرامپور، ۱۳۹۲، ۳۵۴/۱). چه شرافتی از این بهتر که انسان خود را مجهر به عفاف کند تا از آسیب‌های روحی و روانی آن در دنیا حفظ شود و سزاوار چنین پاداش عظیم اخروی شود.

تأثیر عفاف چنان است که نه تنها در دنیا که در لحظه مرگ، انسان را همراهی می‌کند و می‌تواند وصیت‌های او را عفاف‌گونه کند. حضرت زهرا علیها السلام در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه خود نگران بود و به پوشیده بودن بدن خود از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کرد.

نقل شده است: «روزی حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری بود. به أسماء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زن را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند طوری که حجم بدن مشخص می‌شود. مرا بر روی تابوت آن چنانی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم بازدارد» (صدقوق، ۱۳۷۶، ۶۳/۱).

چنین حالتی نتیجه رسوخ ویژگی عفاف در روح یک انسان است و محدود به دوره زودگذر دنیا نیست. این حالت زن، نزدیک‌ترین حالت او به خالق حقیقی او می‌شود. در روایتی آمده

است: «رسول اکرم ﷺ از اصحاب خود سؤال کرد که زن چیست. پاسخ دادند: زن عورت است. حضرت پرسید: در چه وقت است که زن از هر وقت دیگر به خدا نزدیک‌تر خواهد بود. اصحاب نتوانستند پاسخ سؤال را بدھند تا اینکه مطلب به گوش حضرت زهرا ؑ رسید و ایشان در جواب فرمود: "ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بيتها فقال رسول الله ان فاطمه بضعه منی؛ حضور زن در خانه، بهترین چیز برای زن است تا نه وی مردی را ببیند و نه مردی او را"» (مجلسی، ۱۳۹۷، ۹۲/۴۳؛ اعتمادی، ۱۳۹۲، ص۶۴). این‌گونه نیست که حضرت زهرا ؑ هیچ وقت از خانه بیرون نمی‌رفت، بلکه منظور این است که آن تجسم حیا و عفاف سبب می‌شد تا ضرورتی نبود به جامعه نمی‌آمد. ایشان در موقع ضروری و حساس در اجتماع حضور می‌یافت و در مسائل سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کرد به‌ویژه در مسئله ولایت امیرالمؤمنین ؑ و به‌یغما رفتمند در مجامع عمومی به مناظره می‌نشست و از حق خود دفاع می‌کرد و هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی‌رفت.

رسول اکرم ﷺ به زنان صدر اسلام درباره رفت‌وآمد به مسجد و کوچه و بازار سفارش کرد و فرمود: «قال رسول الله ﷺ: ليس للنساء من سروات الطريق شيء و لكنها تمسيفي جانب الحاجط والطريق؛ زنان نباید از وسط کوچه و گذرگاه‌ها عبور کنند، بلکه باید همیشه از کنار دیوار حرکت کنند تا جلب توجه دیگران را نکنند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱۸/۱) زنان باید از جلب توجه نامحرم بپرهیزنند و با رعایت عفاف و حجاب در بیرون خانه رفت‌وآمد کنند و در اجتماعات شرکت داشته باشند. زنان نباید با مردان اختلاط بی‌مورد داشته باشند؛ زیرا همین اختلاط‌ها مقدمه ارتباط‌ها، فتنه‌ها و شکستن حریم عفت و پاکدامنی آنها می‌شود.

۴-۳. عفاف در پوشش

پوشش افراد به‌ویژه در صحنه اجتماع در حضور نامحرم و محیط کار اهمیت زیادی دارد. مؤثرترین نوع حضور در اجتماع را می‌توان در زندگی کوتاه، اما پریار حضرت زهرا ؑ دید. بنابر شواهد تاریخی هرگاه موقعیت اجتماعی اقتضا می‌کرد آن حضرت فعالانه وارد عرصه می‌شد. آنچه در صفحات تاریخ درخشنان مانده، پوشش کامل ایشان هنگام فعالیت‌های اجتماعی و

سیاسی است. برای مثال، شرکت در برخی نبردها مانند جنگ احمد در قالب امدادگر، ایراد سخنرانی در مسجد و دفاع از امام علی علیه السلام. هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام خواست در مسجد با ابوبکر و مردم سخن بگوید مقنعه خود را به سر کرد. در روایات آمده است: «انه لما اجمع أبو بكر و عمر، منع فاطمه س فدكا و بلغ ها ذلك لاث العمامة على رأسه؛ وقتى كه خبردار شدند مردم از مهاجر و انصار در مسجد جمع شدند حضرت بلند شد و خمار را به سر بست به طورى كه تمام سرو گردن را پوشاند. "واشتملت بجلبابها". جلباب كه پوششی سراسری بود بر سر انداخت كه تمام بدن پوشیده شد» (مجلسی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۰؛ رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

با این روایات، سیره عملی آن حضرت در پوشش، مقدار و کیفیت پوشش هنگام بیرون رفتن از خانه یا در صحنه اجتماع و در حضور، مشخص و معلوم می شود. لازم است که بانوان مسلمان براساس سیره حضرت زهرا علیها السلام عمل کنند.

فرانتس فانون^۱ نویسنده فرانسوی و متفکر برجسته قرن بیستم به دلیل تفکر استعمارزدایی، کارهای او الهام بخش جنبش آزادی خواهی ضد استعماری، برای بیشتر از چهار دهه بوده است. آثار او در زمینه های مطالعات پسا استعماری، نظریه انتقادی و مارکسیسم تأثیرگذار شده اند. وی می گوید: «نیروهای اشغالگر در کشور مسلمان الجزایر مأموریت داشتند تا هویت و اصالت فرهنگی ملت الجزایر را نابود کنند و در این راه تمام تلاش خود را در تخریب مسئله حجاب و چادر زنان متمرکز کرده بودند؛ زیرا آن را نشانه مهم اصالت ملی زنان الجزایری تلقی می کردند. از دیدگاه استعمارگران، هجوم به تار و پود جامعه اسلامی الجزایر ابتدا باید از متأثر کردن زنان آغاز می شد؛ زیرا زنان را می توان به راحتی فریب داد. دستگاه استعماری فرانسه برای مبارزه با حجاب زنان و بیرون کشیدن آنها از کانون خانواده،

۱. فرانس عمار فانون (Frantz Fanon)؛ زاده ۲۰ زوئیه ۱۹۲۵ – درگذشته ۶ دسامبر ۱۹۶۱) نویسنده فرانسوی زبان اهل مارتینیک و یک فیلسوف سیاسی، مارکسیست، مقاله‌نویس، روانپژوه و انقلابی بود. او را به اسم ابراهیم فرانس فانون هم می‌شناسند.

مبالغه هنگفتی اختصاص داده بود. آنها بر این باور بودند که حجاب زن، سد محکم و دژ عظیمی در برابر نفوذ غربی هاست. هر چادری که کنار گذاشته شود افق جدید و گام بلندی در تسلط استعمارگران بر کشورهای اسلامی است. دیدن هر زن مسلمانی که حجاب را کنار گذاشته است امید تسلط آنها را ده برابر می‌کند. با هر چادری که رها می‌شود گویی جامعه اسلامی برای پذیرش و تسليم در برابر استعمارگران آماده تر می‌شود» (تبریزی، ۱۴۰۱، ص ۲۱).

براساس تعليمات اسلام و قرآن، زنان حق ندارند زینت‌های پنهانی خود را آشکار کنند، هرچند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب، آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، جایز نیست. اسلام از زینت، آراستگی و پیراستگی نهی نمی‌کند، بلکه آنچه مورد مذمت قرآن و اسلام است تبرج و آشکار کردن زینت بیرون از منزل در محافل اجتماعی و برای غیرمحارم است که باعث فساد و برانگیخته شدن شهوت و درنتیجه گناه و آلودگی می‌شود: «و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی» (احزاب: ۳۳). در معنای تبرج آمده است: «تبرج، آشکار کردن زینت و هرجیزی است که شهوت مرد را برانگیزاند» (ابن منظور، ۱۴۱۴/۲، ۲۱۲).

اسلام نمی‌گوید از زینت بهره نبرید و آراستگی را کنار بگذارید، بلکه می‌گوید این امر نباید به زیاده‌روی و افراط منجر شود و نباید از حد شایسته و اعتدال خود که اسلام مشخص کرده است، تجاوز کند. اگر این غریزه از حد و مرز شرعی خود تجاوز کند آتش شهوت را شعله‌ور ساخته و دام شیطان را برای انسان می‌گستراند. علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: «کمتر فسادی در عالم ظاهر می‌شود و کمتر جنگ خونینی است که نسل‌ها را قطع و آبادی‌ها را ویران سازد که نتیجه اسراف و افراط در استفاده از زینت‌ها و زرق نبوده باشد؛ زیرا انسان طبعاً این طور است که وقتی از جاده اعتدال بیرون شد و پا از مرز خود بیرون گذاشت، مشکل می‌تواند خود را کنترل کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴/۸، ۱۰۲). در هر امری چه در پوشیدن زیورآلات و چه در زینت کردن، انسان باید حد اعتدالی که اسلام برای سعادت انسان مشخص کرده است را رعایت کند.

آن بانوی بسیار بزرگ جهان، حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می‌کرد و در بحرانی‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی حضور و ظهرور داشت. دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام در مورد عفاف در پوشش و حجاب در برخی از روایات به گونه‌ای بیان شده که ابتدا ممکن است برخی از زنان با ایمان فکر کنند شرکت آنها در اجتماعات و سخن‌گفتان با مردان به طور مطلق ممنوع است در حالی که نظر آن حضرت این است که زنان باید از هرگونه تماس و برخورد اجتماعی که باعث بی‌عفتی و تحریک مردان می‌شود، پرهیز کنند. برای مثال، صدای خود را نازک نکنند، لباسی که جلب توجه می‌کند، نپوشند و در هنگام رفت‌وآمد، متین و باوقار تردد کنند. (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۵۶) آنچه در سیره رفتاری حضرت زهرا علیها السلام دیده می‌شود این است که حضرت، همان‌طور که حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می‌کرد در بحرانی‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی، حضور و ظهرور داشت.

ماجرای مباھله که حادثه بسیار مهم سیاسی، اجتماعی و عقیدتی بود و در سال دهم هجرت بین پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و هیئت بلندپایه مسیحیان نماینده نجران رخ داد هزاران نفر از مهاجر و انصار در صحرای مدینه جمع شده بودند تا از نزدیک نظاره‌گر صحنه باشند؛ ناگاه دیدند که پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم با حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیها السلام و امام حسن و حسین علیهم السلام برای مباھله به سوی صحرا می‌آیند. پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم براساس آیه ۶۱ سوره آل عمران، حضرت فاطمه علیها السلام را همراه خود در چنین همایش سیاسی- دینی شرکت داد. بنابراین، حجاب زنان هرگز مانع آنها برای شرکت در اجتماعات سیاسی و دینی نشد. با این بیان روشن می‌شود که سیره حضرت زهرا علیها السلام در زمینه پوشش اسلامی این‌گونه بود که با حفظ حریم عفاف و حجاب، در بحرانی‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی حضور داشت.

۴. نتیجه‌گیری

عفاف و پاکدامنی، حالتی نفسانی به معنای رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل است. حجاب، مانع و بازدارنده ظاهری است، در حالی که عفاف، مانع و بازدارنده باطنی است. عفاف، حالتی درونی است، در حالی که حجاب به معنای روبند و هر آنچه که با آن چیزی را می‌پوشانند

به کار می‌رود. این دو اصل یعنی، ظاهر و باطن انسان از مهمترین عناصر در تربیت او هستند و رابطه خاصی با هم دارند. به طورکلی، هرچه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد رعایت حجاب و پوشش ظاهری نیز بهتر و بیشتر خواهد بود. تحلیل مفهومی عفاف در رفتار و گفتار حضرت زهرا علیها السلام بیانگر پارسایی و حالتی نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت بازمی‌دارد. مصادیق عفاف شامل رعایت عفت در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش است. همچنین، روش می‌شود که عمدۀ میراث روایی حضرت زهرا علیها السلام بیشتر به مصادق عفاف مربوط می‌شود و رعایت این اصول می‌تواند انسان را از بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی حفظ کند. زنان مسلمان با الگوگیری از عفاف و حجاب آن حضرت می‌توانند راه سعادت را برای خود و خانواده خود هموار کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العلمی.
- ۲. ارفع، کاظم (۱۳۷۰). فاطمه علیها السلام اسوه زنان. تهران: فیض کاشانی.
- ۳. اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴). مفردات. قم: دفتر نشر الكتاب.
- ۴. اعتمادی، راضیه (۱۳۹۲). ویزی ھای شخصی حضرت زهرا علیها السلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. قم: مرکز نشر کتاب.
- ۵. باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه فرهنگی برهان.
- ۶. بهرامپور، ابوالفضل (۱۳۹۱). تفسیر یک جلدی مبین. قم: انتشارات آوای قرآن.
- ۷. پریوند، فریده (۱۳۸۶). معناشناسی عفاف در قرآن و حدیث. بی‌جا: بی‌نا.
- ۸. تبریزی، عبدالکریم‌نیا (۱۳۸۶). درس‌هایی از حضرت فاطمه علیها السلام برای زنان. نشریه نورمگز، شماره ۳۱-۲۱، ۹۲.
- ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۹۳). فاطمه اسوه بشر. قم: اسراء.
- ۱۰. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۳). الگوی برتر درس‌هایی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام. قم: مسجد جمکران.
- ۱۱. سبحانی، علی رضا (۱۴۸۶). مناقب فاطمه زهرا علیها السلام. مترجم: سلیمان علوی، محمد. قم: نشر جمال.
- ۱۲. صدقوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۴). گلچین صدقوق، حکایات و روایات برگزیده کتاب من لا یحضره الفقيه. مترجم: صفاخواه، محمدحسین. تهران: فیض کاشانی.
- ۱۳. صدقوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶). عيون اخبار الرضا علیها السلام. محقق و مصحح: لاجوردی، مهدی. تهران: نشر جهان.
- ۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.

۱۶. عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ عمید. بی جا: بی نا.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵). العین. قم: دارالهجره.
۱۸. فرهادیان، فاطمه (۱۳۹۰). عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا عليها السلام. نشریه پیام زن، شماره ۲۳۶، ۳-۱۰.
۱۹. قاضیزاده، کاظم. احمدی سلیمانی، سید علی (۱۳۸۶). عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات. نشریه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۳۶، ۸۹-۱۱۲.
۲۰. قرشی بنابی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. قمی، عباس (۱۳۷۶). منتهی المال. قم: هجرت.
۲۲. کرمی، علی رضا (۱۳۸۷). سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. قم: دلیل ما.
۲۳. کلینی، ابی محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). فروع الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۷). بحارالانوار. تهران: مکتب اسلامیه.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامیه.